



## تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۲۲	تاریخ	۱۴۰۱/۰۸/۱۱
عنوان ۱	حجیت ظن				
عنوان ۲	ظنون خاصه				
عنوان ۳	سیره و اخواتها				
عنوان ۴	بررسی حجیت سیره متشرعه				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

درباره سیره متشرعه صحبت کردیم و توضیح دادیم که سیره متشرعه چه وقت می تواند شرایط حجیت را پیدا کند. گفتیم سیره متشرعه برای حجیت باید دارای سه شرط باشد. شرط اول این است که این سیره، غلبه بر رفتار متشرعه داشته باشد و سیره غالب آنها باشد. اینکه تنها جمعی از متشرعه و حتی نیمی از آنها دارای سیره ای باشند، نمی تواند کاشف از فعل معصوم باشد؛ زیرا هنگامی که سیره ای بین اقلیتی رواج داشته باشد [به این معناست که در طرف دیگر که اکثریت است، سیره ای برخلاف این سیره - ولو سیره ترکی - وجود دارد] لذا کاشفیت اکثریت اقواست و یا اگر نیمی از متشرعه دارای سیره ای باشند، کاشفیت سیره نیمی دیگر از متشرعه نیز به همان اندازه خواهد بود. شرط دوم اینکه اتصال سیره به عصر معصوم احراز شود تا بتواند نشأت گرفته از قول معصوم باشد.

شرط سوم اینکه احتمال دخل عامل دیگری غیر از حکم شارع در شکل گیری این سیره وجود نداشته باشد؛ مثال آن را نیز بیان کردیم و گفتیم سیره متشرعه بر ترک اقامه نماز جمعه، نمی تواند کاشف از عدم وجوب تعیینی نماز جمعه باشد؛ زیرا احتمال - بلکه بیش از احتمال است و قرینه نیز بر این مطلب وجود دارد مبنی بر - اینکه عدم اقامه نماز جمعه در بین اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام، به علت تقیه و خوف بوده است؛ بنابراین این سیره، نمی تواند کاشف از قول معصوم باشد.

به عبارت دیگر اگر احتمال بدهیم سیره شکل گرفته بر ترک یک حکم وجوبی، به علت عدم وجود شرایط واجب بوده است، در اینجا نیز این سیره نمی تواند کاشف از حکم معصوم باشد؛ مثال دیگرش عدم قیام برای تشکیل حکومت است. برای اقامه حکومت، عده و عده نیاز است؛ لذا اگر احتمال دهیم که اینکه ائمه اطهار علیهم السلام بعد از سید الشهدا علیه السلام و علمای بزرگ ما برای برپایی حکومت قیام نکردند، به این علت بوده که عده و عده لازم را نداشته اند، همین احتمال برای اینکه این سیره نتواند کاشف از حکم شارع باشد کافی است. همچنین مانند عدم اعمال ولایت توسط فقها در زمان غیبت، که ممکن است کسی ادعا کند که چون اعمال نکردند، معلوم می شود که قائل به ولایت نبودند؛ در اینجا نیز این سیره نمی تواند کاشف از قول شارع باشد؛ زیرا احتمال می دهیم اینکه فقها به میدان نیامدند و اعمال ولایت نکرده اند به این علت بوده که اعتماد به اطاعت و نصرت مردم نداشته اند. تا مردم اطاعت و نصرت نکنند، فقها نمی توانند به تنهایی اعمال ولایت کنند. حتی اگر

امام معصوم نیز از اطاعت و نصرت مردم مأیوس شود، اعمال ولایت بر ایشان واجب نخواهد بود. اگر اطاعت و نصرتی نباشد، امام نیز نمی‌تواند اعمال ولایت کند. امام مجتبی علیه السلام آماده برای جنگ با معاویه شدند، اما دلیل اینکه ادامه پیدا نکرد و حضرت ناچار به پذیرش هدنه<sup>۱</sup> شد، این بوده است که نصرت و اطاعت از سوی مردم وجود نداشت. بنابراین اگر احتمال دهیم که یک سیره، به دلیل عدم وجود شرایط واجب شکل گرفته است، نمی‌تواند کاشف از حکم شارع باشد. خلاصه اینکه شرط سوم این است که عامل دیگری غیر از حکم شارع - چه یقیناً و چه احتمالاً - وجود نداشته باشد که بتواند در شکل‌گیری سیره نقش داشته باشد.

اگر سیره‌ای با تمام شرایط شکل گرفت - سیره غالبه اهل تشیع بود، دلیلی بر مخالفت شارع بر آن نیز وجود نداشت، معاصر معصوم بود و عامل دیگری وجود نداشت که بتواند منشأ شکل‌گیری آن باشد - می‌تواند کاشف از حکم معصوم باشد. علت این کاشفیت، تلازم عادی بین شکل‌گیری این سیره با حکم معصوم است؛ یعنی عادتاً چنین سیره‌ای نمی‌تواند شکل بگیرد مگر اینکه حکم معصوم باعث شکل‌گیری آن شده باشد؛ لذا این سیره، خود کاشف از حکم معصوم است. چنین سیره‌ای مانند خبر متواتر می‌شود. همانطوری که خبر متواتر از معصوم نیاز به دلیل حجیت ندارد و کاشف قطعی است، چنین سیره‌ای نیز با شرایط مذکور، نیاز به دلیل حجیت ندارد و کاشف قطعی از حکم معصوم است و احتیاج به آن واسطه‌ای که برای حجیت سیره عقلاییه نیاز است نیز وجود ندارد. در سیره عقلاییه، اگر جزم به آن نیز حاصل شود، نیاز به سکوت شارع در برابر آن است تا بتوانیم از سکوت شارع، رضای او به چنین سیره‌ای را احراز کنیم؛ اما این مقدمه در سیره متشرعه نیاز نیست.

اشکال یکی از شاگردان: اثباتاً نمی‌توان به چنین سیره‌ای با چنین شرایطی دست یافت!

پاسخ استاد: اینکه مورد دارد یا ندارد حرف دیگری غیر از حجیت آن است. بحث ما در این است که سیره متشرعه در چه صورتی می‌تواند حجت باشد. علم اصول که بخواهیم تشکیل بدهیم، باید بر مبنای مفروضات [بحث کنیم] یعنی حتی در صورت فرض وجود یک شیء نیز باید آن را مورد بررسی قرار دهیم. فرض کنیم که اگر چنین چیزی پیدا شد، آیا حجت است یا خیر؟ تازه اگر این مطلبی که شما گفتید درست باشد. در صورتی که اینطور نیست و در موارد بسیاری سیره متشرعه وجود دارد و مورد تمسک فقها قرار گرفته است؛ مانند مسأله نکاح بدون انشاء قولی که اگر به ادله اولیه مراجعه کنیم، ممکن است گفته شود که مطلق است و شامل انشاء فعلی و قولی می‌شود؛ اما جای این سخن وجود دارد که گفته شود سیره متشرعه وجود دارد مبنی بر اینکه انشای قولی در عقد نکاح معتبر بوده و معاطات معتبر و نافذ نیست؛ با اینکه ممکن است معاطات را در سایر معاملاتی مثل بیع صحیح بدانید؛ لذاست که فقها در این مسأله یا فتوا نمی‌دهند یا لا اقل انشاء قولی را احتیاط واجب می‌دانند. عمده این استناد شاید بر همین وجود سیره متشرعه بر انشای قولی عقد نکاح باشد.

در بسیاری از احکام، نص وجود دارد و نیازی به تمسک سیره وجود ندارد؛ مگر اینکه گاهی نص ضعیفی وجود دارد که ما برای تقویت آن، سیره متشرعه را نیز به آن نص ضعیف اضافه می‌کنیم که ضعف سند آن روایت را جبران کند و یا مرحوم شیخ گاهی به عمل علما برای جبر ضعف دلالت روایت نیز استناد می‌کند و ممکن است چنین گفته شود که از سیره نیز می‌شود برای جبر ضعف دلالت استفاده شود؛ مثلاً در دلالت یک روایت چند احتمال وجود دارد، که یکی از آنها مطابق سیره متشرعه است، در چنین صورتی می‌توان گفت این سیره، می‌تواند معین یکی از احتمالات دلالتی این روایت باشد.

۱. تعبیر به صلح، شاید تعبیر دقیقی نباشد. بهتر این است که به آتش بس (هدنه) تعبیر شود.

اینکه می‌گوییم سیره با شرایطی که ذکر کردیم کاشف از حکم معصوم است، به این معنا نیست که کاشف از حکمی است که در دل معصوم وجود داشته و آن را بیان نکرده است؛ بلکه حکمی وجود ندارد که شارع آن را بیان نکرده باشد؛ خداوند می‌فرماید:

﴿أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لُبِّيْنًا لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾<sup>۱</sup>

و ما این ذکر را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام تمام احکام را بیان کرده‌اند. مشکل در عدم وصول است؛ آنوقت ما از سیره متشرعه می‌توانیم به صدور چنین حکمی از معصوم پی‌ببریم که به ما واصل نشده است. در حقیقت سیره متشرعه، نوعی از وصول نص معصوم به ما است. سیره متشرعه [با شرایط بیان شده]، یک طریق وصول قطعی مانند تواتر است. بحث سیره متشرعه به پایان رسید و به بحث از سیره عقلایه خواهیم پرداخت.

در سیره عقلایه نیز باید شرایطی فراهم شود که بتوان سیره عقلایه را کاشف از حکم معصوم دانست. بنابراین سیره عقلایه بما هم سیره عقلایه برای ما حجیت ندارد. عقلاء، مصدر تشریع نیستند؛ یعنی حتی اگر برای ما روشن شود که تمام عقلاء از اولین تا آخرین نیز بر چیزی اتفاق کردند، منبع تشریع نخواهد بود؛ مگر اینکه بتواند کاشف از حکم شارع باشد. به عبارت دیگر، عقلاء بما هم عقلاء نمی‌توانند حکم مولوی صادر کنند و مصدر تشریع نیستند. ما در جلد اول مباحث فقه نظام سیاسی به استناد عقل و آیات و روایات روشن کرده‌ایم که حکم الزامی تنها از کسی می‌تواند صادر شود که دارای ولایت باشد. ولایت عقلاً - غیر از نصوصی که در این زمینه وجود دارد - منحصر در خدای متعال است؛ مگر اینکه خداوند متعال این ولایت را در محدوده معینی به دیگری بدهد که او دارای ولایت بالعارض می‌شود. این ولایت بالعرض به صورت مطلق به وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام واگذار کرده است. هیچ مقامی بالاتر از مقام تفویض ولایت از سوی خداوند وجود ندارد. تمام مقامات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام، دون این مقام است. مقام برتر، مقام تفویض ولایتی است که خدای متعال به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام تفویض کرده است. بنابراین عقلاء منبع ولایت نیستند که بتوانند امر و نهی کنند. امر و نهی تمام عقلاء هیچ نفوذی ندارد؛ مگر اینکه سیره عقلایه، بتواند کاشف از آن باشد که خدای متعال از طریق معصومین حکمی را بر ما صادر کرده باشد. حال باید ببینیم سیره عقلایی که می‌تواند کاشف از حکم شارع باشد چه نوع سیره‌ای با چه شرایطی است که ان شاء الله در جلسات بعدی بیان خواهیم نمود.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرین